خلاصه تفصیلی

سه محور اصلی مورد بحث قرار گرفته است: چگونگی مواجهه با ابتلائات و سختی‌ها، اهمیت اخلاص در اعمال و پرهیز از خودمحوری، و ماهیت علم غیب ائمه و ارتباط آن با کتاب الهی.

۱. مواجهه با ابتلائات و سختی‌ها

فرد در مواجهه با ابتلائات بزرگ، گاهی دچار این حس می‌شود که ایمان خود را از دست داده است، حتی با وجود این‌که اهل نماز و قرآن است . این وضعیت دشوار، فرد را به پرسش وامی‌دارد که چرا این بلا بر او نازل شده، در حالی که برخی دیگر که کمتر مقید هستند، دچار چنین سختی‌هایی نمی‌شوند .

دو رویکرد برای درک ابتلاء مطرح می‌شود:

- **مرور سابقه کارها و استناد به اعمال خود :**
  - گاهی اوقات، فرد با مرور اعمال گذشته خود، متوجه می‌شود که کارهایی انجام داده که زمینه این ابتلاء را فراهم آورده است، چه استناد مستقیم و واضحی داشته باشد و چه به صورت الهام قلبی و درونی این ارتباط را حس کند .
  - برخی کارهای به ظاهر ساده ممکن است در زندگی خداوند عظیم باشند، مانند کلامی که به آسانی بر زبان می‌آید اما در شنونده اثری عمیق و آزاردهنده دارد .
  - راهکار: مداومت بر استغفار :
  - اگر ابتلاء ناشی از گناه باشد، بهترین راه استغفار است .
    - خداوند از طریق بلا، مؤمن را تطهیر می‌کند و زمینه تکامل او را فراهم می‌آورد .
    - ابتلاء موجب می‌شود فرد نعمت‌های گذشته را به یاد آورد و شکر کند . همچنین صبر بر بلا، اجر دارد و استغفار گناهان را محو می‌کند و موجب ارتقای بنده می‌شود .
- **حسن ظن به خداوند در صورت عدم یافتن استناد به گناه :**

در مواقعی که مؤمن هرچه کارهای خود را مرور می‌کند، ارتباطی بین عمل و ابتلاء پیدا نمی‌کند و ذهنش به سببی نمی‌رسد، باید چه کند؟

  - رسم بندگی: ابتدا باید تواضع کرده و بگوید «من تقصیرکارم»، حتی اگر ذهنش به گناه خاصی نرسد و استغفار کند .
  - نکته مهم: حسن ظن به خداوند :
    - خداوندی که بنده را آفریده، ظرفیت او را بهتر از خودش می‌داند .
    - آنچه از نظر بنده شکست به نظر می‌رسد، زندگی خداوند مقدمه‌ای برای رسیدن به مراتبی بالاتر و مهم بیشتر است .
    - سختی‌ها و ابتلائات در این دنیا گذرا هستند . وقتی فرد از این مراحل عبور کند و نتایج و آثار معنوی آن‌ها را درک کند، هرگز نمی‌گوید که ای کاش این بلاها برایم پیش نمی‌آمد . بلکه روایت است که آرزو می‌کند

کاش به دنیا بازگردد و چندین برابر مبتلا شود تا به آن پاداش‌ها برسد .

- حلاوت دنیا، مرارت آخرت و مرارت دنیا، حلاوت آخرت است : روزهای خوش دنیا باید یادآور احتمال سختی در آخرت باشد، و تلخی‌ها و ابتلائات دنیا، نشانه‌ی سرور و رضایت در آخرت است .

۲. اخلاص در اعمال و پرهیز از خودمحوری

فرد ممکن است در مورد ابزار کارهای نیکو و علمی خود دچار تردید شود؛ از یک سو روایات بر پنهان کردن حسنات تأکید دارند تا ثواب آنها کم نشود، و از سوی دیگر، پنهان کردن برخی کارها مانند تألیف کتاب یا مهارت‌های خاص، ممکن است باعث مندرس شدن آنها یا محرومیت دیگران از منفعتشان شود . همچنین فرد ممکن است از اخلاص صددرصد خود مطمئن نباشد .

راه‌کارهایی برای اخلاص و ابزار اعمال:

- **مرحله اول: تفحص و اولویت‌بندی :**
  - پیش از ابزار یک کار علمی یا خدمتی، تحقیق کند که آیا علمای پیشین در این زمینه کاری انجام داده‌اند یا نه .
  - اگر کار مشابهی توسط علمای گذشته انجام شده اما منتشر نشده یا مندرس شده، اولویت با احیای کار آنان است. این عمل از نشانه‌های اخلاص است .
  - آیت‌الله بهجت (ره) نیز بر این نکته تأکید داشتند که ابتدا باید به کارهای منتشرنشده علمای پیشین پرداخت .
- **مرحله دوم: ابزار کار مفید و پرهیز از وسوسه :**
  - اگر کار جدید و نافعی است که نظیرش وجود ندارد و مورد نیاز است، اصل بر ابزار آن است .
  - امتناع از ابزار عمل به بهانه عدم اخلاص صددرصد، خود یکی از مکائد شیطان است که توفیق را از انسان می‌گیرد . باید این وسوسه‌ها را کنار گذاشت و وارد عمل شد .
  - تمیزی انگیزه:
    - اگر انگیزه اصلی انجام کار، غیرخدایی (مانند طلب ستایش دیگران) باشد، باید ترک شود .
    - اما اگر فرد برای خدا کاری انجام دهد و میدانند که آثار جانبی آن (مانند تمجید دیگران) پیش خواهد آمد و از آن خوشش می‌آید، این مانعی ندارد . خداوند نیز بندگانش را ستایش می‌کند و این انگیزه برای عمل نیک مجاز است .
  - استثناء : اگر ابزار عمل باعث قرار گرفتن فرد در منصب ناحق شود (مانند مرجع تقلید شدن بدون اجتهاد)، اخلاص در این است که از آن عمل اجتناب کند .
  - در نهایت، هر جا کاری نافع از فرد برمی‌آید، باید با نیت اصلی قلبی و با همان اخلاصی که در خود می‌بیند انجام دهد و به وسوسه‌ها اعتنا نکند .

پرهیز از خودمحوری (قطب نباشد) :

- شخص نباید خود را قطب ای برتر از دیگران بداند .

- اگر در موقعیتی، فرد به صورت تکوینی و طبیعی محور قرار می‌گیرد (مثلاً توانایی‌ای دارد که دیگران ندارند)، باید وظیفه‌اش را انجام دهد، اما انگیزه‌اش نباید محوریت باشد .
- نشانه‌ی عجب و خودمحوری آن است که اگر فرد دیگری بتواند کاری را بهتر انجام دهد، فرد خودمحور ناراحت می‌شود . اما کسی که واقعاً بی‌عجب است، با راحتی خاطر اجازه می‌دهد دیگری کار را انجام دهد و از کنار رفتن از محوریت احساس ناراحتی نمی‌کند .

حفظ اخلاص در طلاب :

- طلاب در دوران تحصیل باید به حدی در تزکیه، تقوا و اخلاص پیشرفت کنند که سه برابر نیاز خود ذخیره داشته باشند .
- زیرا وقتی وارد جامعه می‌شوند و مردم به آن‌ها محبت و ارادت پیدا می‌کنند، دو سوم آن‌چه ذخیره کرده‌اند از دست می‌رود و این محبت می‌تواند مانع اخلاص شود .
- نصیحت آیت‌الله بهاءالدینی (ره): طلبه نباید برای خدمت به دین درس بخواند، بلکه باید برای خدا درس بخواند . اگر خداوند صلاح بداند، از علم او برای خدمت به دینش استفاده خواهد کرد . این رویکرد از رقابت‌جویی جلوگیری می‌کند و باعث می‌شود فرد با دیدن توانایی بردار خود، خادم او شود .
- اما اگر فرد ببیند که ترک صحنه توسط او باعث صدمه به امور متدینین می‌شود و لیاقت انجام کاری را دارد، می‌تواند با قصد اخلاص و برای رضای خدا وارد آن منصب یا کار شود .

۳. علم غیب ائمه و ماهیت کتب الهی

چگونگی علم غیب ائمه (علیهم السلام) :

- ائمّه (علیهم السلام) غیب را می‌دانند، اما علم آن‌ها یک نوع نیست و بستگی به "معلوم" (چیزی که دانسته می‌شود) دارد .
- هر معلومی نیازمند یک وسیله منا‌سب برای ادراک خود است . مثلاً صوت با گوش شنیده می‌شود، نه با چشم . گرما و سرما با لمس درک می‌شود، نه با نگاه .
- معصومین (علیهم السلام) به دلیل مقاماتی که خداوند به ارواح مطهر و مقدسشان داده است، شئونات عالم را متناسب با همان شئون درک می‌کنند . آن‌ها آلات و مشاعری برای درک دارند که برای انسان‌های عادی درکش سخت است (مانند سمع غیبی برای اصوات غیبی و بصر غیبی برای مبصرات غیبی‌ه) .
- برخی حیوانات نیز دارای قوای درکی فراتر از انسان‌ها هستند (مانند شنیدن فرکانس‌های صوتی زلزله که انسان قادر به شنیدن آن‌ها نیست) . این نشان می‌دهد که خداوند در خلقت خود، ابزار درک متنوعی قرار داده است .
- بنابراین، علم غیب ائمه (علیهم السلام) از طریق قوایی متناسب با هر شأن از غیب است که خداوند به آن‌ها عطا کرده است . این علوم «من الله» و «باذن الله» (از جانب خدا و با اذن خدا) است .

نقد دیدگاه‌های مخالف علم غیب ائمه :

- برخی (مانند مفتی سعودی، بن باز) معتقدند که اعتقاد به علم غیب پیامبر (ص) یا ائمه (ع) کفر، شرک و ارتداد از اسلام است . استدلال آن‌ها به آیه «قُل لا یَعلَمُ مَن فی السَّمواتِ وَالأَرضِ الغَیبَ إلّا اللّهُ» است .

- این استدلال ناتمام است، زیرا آیات دیگری نیز وجود دارد که آن را توضیح می‌دهد، مانند «عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِن رَّسُولٍ».
- این آیه نشان می‌دهد که خداوند علم غیب خود را به رسولان برگزیده‌اش عطا می‌کند .
- دانش پیامبران و امامان (ع) وحیانی و تعلیم شده از جانب خداوند است، نه ذاتی . مثال: حضرت خضر که «عَلَّمْنَاهُ مِن لَّدُنَّا عِلْمًا»، و آصف بن برخیا که «عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ» (دانشی از کتاب) داشت . ائمه (ع) نیز «عِلْمُ الْكِتَابِ» (تمام دانش کتاب) را دارند .
- اعتقاد به اینکه خداوند این علوم را به بندگان خاص خود عطا کرده، قوی‌تر کننده توحید است، نه شرک .

پرهیز از غلو (اغراق) و تقصیر (کوتاهی) در اعتقادات :

- غلو: بالا بردن فرد از جایگاه واقعی‌اش و نسبت دادن صفات الهی به او (مانند خدا دانستن امام) . این کار ناپسند و قبیح است و اهل بیت (ع) نیز آن را مورد نکوهش قرار داده‌اند . غالی‌ها در برخی روایات شرتر از ناصبی‌ها معرفی شده‌اند .
- تقصیر: پایین آوردن جایگاه واقعی فرد .
- باید منصفانه و دقیق حقایق را درک کرد؛ نه چیزی را بالاتر برد و نه پایین آورد .
- اگر فردی احساس کند که اعتقاد به مقام خاصی برای امام، او را به سمت خدا دانستن امام سوق می‌دهد، باید از آن پرهیز کند و در اعتقادات خود احتیاط کند .
- ائمّه (علیهم السلام) عبدالله هستند و هر آنچه دارند «باذن الله» و «من الله» است، به عنوان جلوه‌های اسماء و صفات الهی .
- داستان حضرت خضر (علیه السلام) در قرآن، که اعمال خود را ابتدا با «فَأَرَدتُّ» (من اراده کردم) و «فَخَشِينَا» (ما ترسیدیم) بیان می‌کند، اما در پایان همه را به «فَأَرَادَ رَبُّكَ» (پروردگارت اراده کرد) بازمی‌گرداند، نمونه‌ای از این است که همه اراده‌ها و قدرت‌ها نهایتاً از خداوند متعال است .
- توسل به معصومین (علیهم السلام) به معنای مستقل دیدن آنها در مقابل خدا نیست، بلکه به عنوان کسانی است که خداوند به آنها لطف کرده و آنها وسیله‌های برای تقرب به خداوند هستند .

ماهیت کتاب اعمال و کتاب وجود انسان :

- نامه اعمال انسان در روز قیامت «منشور» خواهد شد . این کتاب لزوماً شبیه کتاب‌های دنیایی نیست .
- واژگانی مانند «سطر»، «مرقوم»، «قلم»، «دوات (مرکبدان)»، «لوح»، «صحیفه» و «سجل» در آیات و روایات، شباهت‌هایی به ثبت و نگارش در دنیا دارند .
- «ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ» در قرآن، «نون» می‌تواند به معنای «دوات» یا «مرکبدان» باشد .
- وجود هر بنده به منزله یک کتاب است که اعمال اختیاری او به وسیله «قلم» (اختیار) و «دوات» (ماده خام وجود) بر آن نقش می‌بندد .
- قرآن کریم «تدوین سراپای تکوین» است :
  - قرآن کریم شامل «خبر السماء و الارض و ما فی الجنة و النار و کل شیء» (خبر آسمان‌ها و زمین و آنچه در بهشت و جهنم است و همه چیز) است .
  - ائمّه (علیهم السلام) علم خود به غیب را از «کتاب الله» (قرآن) می‌دانند .
  - این بدان معناست که قرآن تدوین تمام عالم تکوین است .
  - بنابراین، شناخت قرآن و کیفیت خواندن آن، کلید درک تمام حقایق عالم است .
  - مثلاً امام باقر (ع) فرمودند: «علم کل شیء فی عین سین قاف» (همه چیز در عین و سین و قاف است) . این نشان می‌دهد که حتی فرمول‌های بسیار کوتاه نیز می‌توانند شامل دانش‌های عظیم باشند .

- کلمات تکوینی الهی (که هر آنچه در عالم رخ می‌دهد) دارای معادل تدوینی در کتاب الهی هستند، و خداوند رسل و مالئکه خود را بر این کتاب تدوین آگاه می‌سازد .

بازبینی #3
ایجاد شده 21 اکتبر 2025 12:31:42 توسط ... .
به روزرسانی شده 21 اکتبر 2025 15:26:09 توسط ... .